

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی تعیین ابوين ولد تلقیحی

بعد از اینکه احکام صور تلقیح را بیان کردیم، بحث دیگری که هست این است که این بچه که در اثر تلقیح صناعی متولد می شود از نظر ابوين چه حکمی دارد؟

بررسی تعیین پدر ولد تلقیحی

در آنجایی که تلقیح بین نطفه زوج و تخمک زوجه است، هیچ تردیدی وجود ندارد که پدر او همان کسی است که صاحب نطفه است و مادرش هم صاحب تخمک است و در آنجایی که این زن، نطفه شوهر خود را در رحم خود بریزد، اینجا هم پدر این بچه صاحب نطفه است و مادرش هم صاحب تخمک. به عبارت دیگر، در باب نسب یک حقیقت شرعیه یا یک معنای اصطلاحی شرعی نداریم، بلکه در نسب باید به عرف مراجعه کنیم. از مصادیق واضح عرف همین است که می گوید صاحب نطفه، عنوان والد را دارد و دیگری و رحم و صاحب تخمک، عنوان مادر را دارد. در این صورت بحثی وجود ندارد.

صورت مورد بحث

آنچه که مورد بحث است این است که اگر نطفه زوج و تخمک زوجه خودش را تلقیح کنند و در رحم زن دیگری بگذارند - می خواهد زوجه دوم مرد باشد یا یک زن اجنبیه باشد - اینجا باید بررسی کنیم که مسئله ابوين چگونه است. و هکذا آنجایی که نطفه، نطفه اجنبی است و آن را در رحم زن اجنبیه قرار دهند.

بررسی حقیقت شرعیه در باب نسب

در شریعت یک معنای خاص شرعی برای نسب نداریم، فقط در باب ولد الزنا از ولد الزنا نسبت به پدر و مادر او نفی نسب شده است. و همچنین قاعده ای داریم به نام **الولد للفراش**، که در آنجایی که زنی با مردی ارتباط نامشروعی پیدا کرد، بعد در فراش زوج خودش بچه ای از او متولد شد، اینجا شارع گفته است **الولد للفراش** - که توضیح فراش را بیان می کنیم - . اما هیچکدام از اینها - چه باب زنا و چه قاعده **الولد للفراش** - نمی توانیم استفاده کنیم که نسب در شرع یک معنای خاص دارد. بلکه همان

معنای عرفی را دارد؛ که عرف می گوید صاحب نطفه عنوان پدر را دارد. در ما نحن فیه که بحث تلقیح مصنوعی است، بحث زنا وجود ندارد، نطفه یک مردی را برداشته اند و در رحم یک زن اجنبیه قرار داده اند. زنا که نیست تا بگوییم در شریعت از ولد الزنا نفی نسب شده است، البته روی قول مشهور فقها والا اجماعی نیست. ولد الزنا نیست و صاحب نطفه مشخص است و عرف، صاحب نطفه را پدر می داند. قاعده کلی همین است الا در مسئله زنا.

بررسی تعیین مادر ولد تلقیحی

اما از جهت مادر بحثی وجود دارد که آیا آن کسی که صاحب تخمک است و در خلقت تکوینی این بچه دخیل است، آیا او عنوان مادر را دارد یا مادر یعنی کسی که بچه از او متولد شده است، می خواهد تخمک برای زنی که بچه از او متولد شده است باشد یا نباشد.

فرمایش مرحوم خوئی(ره)

اینجا مقداری بین بزرگان اختلاف نظر وجود دارد؛ کسانی مثل مرحوم آقای خوئی به استناد آیه دوم سوره مجادله «الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ ۖ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌ غَفُورٌ». می فرماید مادر، کسی است که بچه از او متولد شده است. در این آیه شریفه دارد «إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ»، مادر اینها نیست مگر کسانی که اینها را بوجود آورده و متولد کرده اند. اگر تخمک زن دیگری را در رحم این زن قرار دادند و شوهر این زن با این زن آمیزش کرد و این زن بچه دار شد، چون بچه از این زن متولد شده است این زن مادر این بچه می شود. اینجا بیان استدلال را عرض کردیم که آیه به صورت حصر بیان می کند، می فرماید مادران اینها نیستند مگر زنهایی که اینها را متولد کرده اند. پس نتیجه این می شود که مادر، کسی است که بچه از او متولد می شود.

نقد فرمایش مرحوم خوئی(ره)

به نظر می رسد که استدلال به این آیه شریفه قابل جواب باشد و جوابش هم روشن است. آیه در این مقام است که در زمان جاهلیت مردها به زنهای خود می گفتند «ظَهْرُكَ كَظْهِرِ أُمِّي»، زن خود را به دیده مادر نگاه می کردند. در آیه می فرماید کسانی که زنهای خود راظهار می کنند - در لمعه خواندید که مرد به زنش می گوید «ظَهْرُكَ كَظْهِرِ أُمِّي»، ظَهْر به معنای پشت است، یعنی همان طوری که ظَهْر اُم برای من حرام است، از حالا به بعد هم تو برای من حکم مادر من را داری و تو هم برای من حرام می باشی - ، آیه می گوید مادر شما کسی است که شما را متولد کرده است و در مقابل مسئلهظهار است، نه اینکه آیه بخواهد بفرماید که تا قیامت، مادر کسی است که بچه از او متولد می شود. و اصلاً در آن زمان راهی غیر از این نبوده و ولادت تنها راهی بوده است که انسان بفهمد این زن مادر بچه است.

جواب دوم به مرحوم خوئی

و جواب دوم این است که اگر مادری مرد، بچه ای در شکم داشت، این بچه را مادر متولد نکرد و شکم مادر را پاره کردند و بچه را زنده بیرون آوردند، این را مادر دیگر بدنیا نیاورده و ولادت نیست. ولادت خروج از موضع طبیعی است. اگر به لغت هم مراجعه کنید ولادت را خروج شیء از موضع طبیعی معنا می کند. آنجایی که از موضع طبیعی نباشد اگر به عرف بگوییم، عرف

مي گويد بچه اين زن است، اما ولادت نيست و معلوم مي شود ولادت اينجا نقشي ندارد. جواب اصلي جواب اول است كه آيه اصلاً در مقام بيان ام و اينكه ام كيست، نيست.

نتيجه بحث و نظر استاد

نتيجه مي گيريم كه همان كه از نظر تكويني در تكون اين بچه دخالت دارد تخمك است و اصلاً نطفه و تخمك زن را بگيرند و در دستگاه بگذارند تا بچه بوجود بيابد. باز هم پدر و مادر مشخص هستند. نکته ديگر در باب دم نفاس است كه دم ولادت است و بعضي از آقايمان قائلند كه اگر زني را سزارين كردند دم نفاس نيست و دم ولادت نيست و ولادت خروج از موضع طبيعي را مي گویند. اين يك اجمالي بود كه دنباله آن را فردا عرض مي كنم.

و صلى الله على سيدنا محمد و آله اجمعين.